



علیرضاشیددی
بازیگر:

موتور حرکت، آرزوی رسیدن به جلوی صحنه است

○ ایفای نقش آدمی که علاقه زیادی به بازیگر شدن دارد برایتان چه ویژگی‌هایی دارد؟

همیشه علاقه داشته‌ام حضور جدی در تئاتر داشته باشم و در خیلی از نمایش‌ها، علاوه بر بازیگری، کارهای پشت‌صحنه را هم انجام داده‌ام و این زیست همراه با کار را دوست داشتم. در کار قبلی استاد مسعود میرطاهری با معین پور موسوی هم این فضا را زندگی کردیم. هر دو از دو نسل متفاوت هستیم و اختلاف سنی زیادی داریم، اما در این کار به خوبی با نقش‌هایمان ارتباط برقرار کردیم. نکته مهم این است که یک شخص چه آرزوهایی برای رسیدن به جلوی صحنه دارد و چقدر می‌تواند به هدفش برسد.

○ در پروسه طولانی مدت تمرینات نمایش چه مختصاتی را به نقش اضافه کردید؟

این آدم و دوستش کاری را که به آن‌ها محول شده خیلی جدی می‌گیرند و تصور می‌کنند چون نقشی به آن‌ها سپرده شده باید کارشان، یعنی چیدمان صحنه، را درست انجام دهند. در چیدن نایلون‌های کف صحنه دقت زیادی دارند و فکر می‌کنند اگر کارشان را خوب انجام بدهند، به کارهای بیشتری دعوت می‌شوند. بعضی وقت‌ها بازیگران چنین نقش‌هایی را حتی بهتر از بازیگران اصلی ایفا می‌کنند.

معین پور موسوی
بازیگر:

مهم‌ترین خواسته دیده شدن و جلب اعتماد است

○ مهم‌ترین ویژگی‌های نقش آدمی که ایفا کردید چه بود؟

ایفای این نقش از این بابت برایم جذاب بود که نمونه چنین آدمی را زیاد می‌بینیم؛ آدم‌هایی که تلاش می‌کنند دیده شوند و به آن‌ها اعتماد شود تا روی صحنه بیایند و بازی کنند.

○ آیا برایشان شهرت بازیگری مهم است؟

شهرت، محبوبیت و دیده شدن برایشان مهم است و هر کسی عقاید و اهداف خاص خودش را دارد. این آدم‌ها در پشت‌صحنه به شدت تلاشگرند تا اعتماد کارگردان را جلب کنند و نقشی به دست بیاورند، اما در عمل کمتر کارگردانی حاضر می‌شود به آن‌ها نقش بدهد. به نظر من این شخصیت و دوستش قابلیت و توانایی زیادی دارند و استحقاق حضور روی صحنه را دارند و برخلاف خیلی از پرمده‌عاهای شایسته و سخت‌کوش هستند، پیت و مایک در صحنه اول بابت دیده‌نشده‌شان مشغول خالی کردن دق دلشان هستند و مدام نق می‌زنند؛ آن‌ها حتی در تخیلشان هم بازی می‌کنند.

اختلاف نظر پیشینه‌های قدیمی دارد و رفتارهایی که زن بروز می‌دهد، مرد را به ستوه آورده است. او هیچ تمایلی برای دیدن نمایشی که خواهرزنش در آن بازی می‌کند نداشته و از جبر همسرش این کار را انجام می‌دهد و دائماً دنبال راه فرار می‌گردد. برای ایفای چنین ویژگی‌هایی چالش جالبی داشتم؛ از جمله اینکه ریتم بازی حفظ شود و راكورد نقش از دست نرود. این وضعیت در پروسه تمرینات شکل گرفت و به آن رسیدیم.

○ آیا از تجربیات زیست شخصی هم در ایفای نقش بهره بردید؟

بله، چنین اتفاقی رخ داد. همه ما در موقعیت‌هایی قرار می‌گیریم که تمایلی برای حضور در آن نداریم.

مانده شهپوزیان
بازیگر:

بایدها و تعارف‌های خنده‌دار زندگی

○ نقشی که ایفا کردید برایتان چه ویژگی‌هایی داشت؟

برای این زن مهم است که «باید» و خواسته‌اش اتفاق بیفتد. در این اجرا مسئله مهم، باید و نبایدهای خانوادگی است که اصولاً وجود دارد اما به چشم نمی‌آید و ماندنش چالش‌زاست. خیلی از بایدها را خودمان به وجود می‌آوریم؛ مثلاً از چیزی خوشمان نمی‌آید اما باید آن را به فرد مقابل تبریک بگوییم. انگار الزامی وجود دارد وقتی به نمایشی دعوت می‌شویم، حتماً باید به عوامل و بازیگرانش تبریک بگوییم.

○ بحثی که «تعارف» میان ایرانی‌ها رواج بسیاری دارد...

برخی از این ویژگی‌ها مثل تعارف بودن درباره ایرانی‌ها مصداق دارد و همان‌طور که در نمایش می‌بینیم، در فرهنگ‌های دیگر هم کم‌وبیش تعارف‌هایی وجود دارد، هر چند شاید اندازه تعارف ایرانی‌ها نباشد.

○ آیا در پروسه تمرینات مختصاتی به نقش اضافه کردید؟

به کارگردان اعتماد دارم و ایشان هم این اعتماد را به من و سایر بازیگران داشت و ایده‌هایمان را در تمرینات بیان می‌کردیم. وقتی قرار است نقشی را بازی کنیم تلاش می‌کنیم به متن وفادار باشیم و اهل اضافه کردن نیستیم؛ چون اگر چند جمله به گفتار نقش اضافه کنیم شاید زیادی به نظر برسد. مسئله مهم، دنبال کردن درست مسیر نقش در طول اجراست. با سایر بازیگران هم در تعامل بودیم و موقعیت نقش‌هایمان را کنکاش می‌کردیم.

یک وقت‌هایی برای اینکه متهم نشوند در رابطه کم آورده‌اند، کنار هم باقی می‌مانند و در مواردی شاید این جسارت را ندارند که بپذیرند در مسیر اشتباهی کنار هم هستند. البته بحث وابستگی و علاقه هم وجود دارد.

پریسافصیح
بازیگر:

این زن شوهر خنگی دارد

○ چه ویژگی‌هایی درباره نقشی که ایفا کردید باعث شد در نمایش بازی کنید؟

این زن، شوهر خنگی دارد و نمی‌خواهد در مقابل دیگران کم بیاورد. دعوای بین این زن و شوهر آن قدر بی‌پایه و سطحی است که سریع از یادشان می‌رود و حتی در مواقعی فراموش می‌کنند سر چه مسئله‌ای با هم وارد مشاجره شده‌اند. بسیاری از زندگی‌های مشترک امروزی دارای مشکلاتی پیش‌پاافتاده هستند و این زوج مدام در حال کل‌کل با هم‌اند. من من‌کردن‌ها هم قضیه را تشدید می‌کند و هر کدام اعتقاد دارند حرفی که می‌زنند درست است.

○ در زمینه بازی چقدر کارگردان به شما آزادی عمل داد؟

سال‌هاست شاگرد مسعود میرطاهری هستم و الفبای بازیگری را نزد ایشان آموختم. در حین کار با یک محیط دوستانه روبه‌رو بودیم. البته ایشان نسبت به شاگردان سخت‌گیر هستند و در مواقع لزوم به بازیگر آزادی عمل می‌دهند و هر جا نیاز باشد ورود می‌کنند و بازی را اصلاح و روتوش می‌کنند. این نمایش حاصل یک سال‌ونیم تمرین است و حدود صد جلسه کاری تمرین انجام شد.

حامد اسماعیلی
بازیگر:

بزرگ‌ترین چالش، حفظ ریتم و راكورد بود

○ آیا ایفای نقش آدمی که در موقعیتی قرار دارد و از آن بیزار است چالش‌زا است؟

مهم‌ترین مسئله، ویژگی‌های این آدم است؛ هم ویژگی‌های ظاهری و هم بحث روابط خانوادگی و مسائل زناشویی و اتفاقاتی که در زندگی مشترک زیاد رخ می‌دهد. هر چه نمایش جلو می‌رود، مخاطب متوجه می‌شود این

مطرح می‌شود و بخش بار معنایی قضیه هم برمی‌گردد به این موضوع که در جایی زندگی می‌کنیم که دچار بی‌امنی روحی و روانی و در استرس شرایط اجتماعی و اقتصادی قرار داریم.

○ درباره طراحی بخش طنز که در جاهایی در نمایش جانمایی شده‌اند توضیح بدهید و آیا بازیگران در تمرینات نمایش رفتند به این سمت یا محصل کار بداهه بود؟

هیچ چیز بداهه‌ای در فضای اجرایی نمایش وجود ندارد و بر اساس متن کار کردیم. بازیگران جاهایی از خلاقیتشان بهره می‌بردند و این فضا را می‌ساختند و در برخی مواقع می‌دیدیم که می‌شود در فلان صحنه به این سمت رفت و به بازیگران منتقل می‌کردم. واقعیت این است که «کانگوروی ژاپنی» اصلاً کار کم‌دی نیست و به شکل اجرایی نمایش کم‌دی نرفتم، اما موقعیت‌ها و تضادهای موجود در روابط بین شخصیت‌های نمایش گاهی چنین فضایی را شکل می‌داد. در کلیت، ارتباط بین شخصیت‌ها نامنسجم است؛ به حرف هم گوش نمی‌دهند و فقط حرف خودشان را می‌زنند.

○ مدام این حرف‌ها را تکرار می‌کنند؟

در زندگی هم حرف‌ها مدام تکرار می‌شوند و البته الان هم زندگی ما در شرایط تکرار شونده در همه سطوح، مثل اخبار، قرار دارد و شرایطی پیش می‌آید که در برخی مواقع از گوش‌هایمان خسته می‌شویم و آن‌ها را کنار می‌اندازیم تا به آرامش برسیم و این قدر درگیر اخبار سطحی، تکراری و استرس‌زانشویم.

محمد مازندرانی
بازیگر:

نقشم بسیار واقعی و ملموس است

○ درباره ویژگی‌های نقشی که در «کانگوروی ژاپنی» ایفا کردید بگویید؟

متن نمایش شباهت‌های زیادی با زندگی همه ما دارد و در کنارش از یک سری المان‌های بی‌ربط با زندگی رئال هم استفاده می‌شود. در واقعیت هم در رابطه هر زن و مردی چالش‌هایی وجود دارد و ممکن است بر سر یک چیز کم‌اهمیت با هم کل‌کل کنند. این مشاجره‌ها تمامی ندارد و هیچ‌کدام هم نمی‌پذیرند شاید نظر طرف دیگر درست باشد. جذابیت نقشی که بازی می‌کنم همین مسئله بود؛ اینکه نقش مرد خیلی واقعی و ملموس است.

○ نکته جالب در این نوع رابطه‌ها این است که دو نفری که اختلاف عقیده شدیدی دارند در کنار هم به رابطه‌شان ادامه می‌دهند...